

اخباری از درون زباله‌دان

بریتا بگر
اشتهانی صقری

لئو ویلی پای به دنبال ردّ آشغال‌ها



آشغال هفتگی خانواده‌ی تو

لطفاً قبل از خواندن کتاب، جاهای خالی را پر کن.

..... کیلوگرم	آشغال خانگی
..... کیلوگرم	زباله‌ی گیاهی
..... کیلوگرم	شیشه
..... کیلوگرم	کاغذ
..... کیلوگرم	بسته‌بندی‌ها

..... کیلوگرم

در مجموع

یک راهنمایی کوچک: برای این که وزن آشغال را به دست بیاوری، ابتدا خودت با آشغال روی ترازو برو و بعد بدون آن. مابه تفاوت آن دو عدد می‌شود وزن مورد نظر.



آشغال هفتگی یک خانواده‌ی چهار نفره در آلمان

..... کیلوگرم	آشغال خانگی
..... کیلوگرم	زباله‌ی گیاهی
..... کیلوگرم	شیشه
..... کیلوگرم	کاغذ
..... کیلوگرم	بسته‌بندی‌ها

..... کیلوگرم

در مجموع

هم‌چنین زباله‌هایی مانند منسوجات، لوازم الکتریکی، زباله‌های حجیم و پسماندهای مواد شیمیایی خانگی نیز به آن افزوده می‌شوند.



اخباری از درون زباله‌دان

لئو و پُلّی پاپ به دنبال ردّ آشغال‌ها

بریتا بگر

ترجمه شده از آلمانی به فارسی:

فاطمه حسن‌زاده

تصویرسازی: اشتفانی صقری



IMPRESSUM

Herausgeber:

Umweltbundesamt, Postfach 14 06, 06813 Dessau-Roßlau, Tel: 0340 2103-0
info@umweltbundesamt.de
www.umweltbundesamt.de

[f/umweltbundesamt.de](https://www.facebook.com/umweltbundesamt.de) [/umweltbundesamt](https://www.instagram.com/umweltbundesamt)

Konzept:

Britta Böger und Isabelle Eler

Text:

Britta Böger, www.brittaboeger.de

Illustration:

Stefanie Saghri, www.saghri.de

Fachliche Beratung:

Katrin Hennwald, Susann Krause, Joachim Wuttke, Bernd Engelmann, Lisa Kossolobow, Gerhard Kotschik, Stefanie Werner (alle UBA); Matthias Buchert (Öko-Institut e. V.)

Projektmanagement:

Isabelle Eler, www.punktpunktchen.de

Übersetzung ins Persische/Farsi:

Fatemeh Hassanzadeh, www.tamanna-persisch.de

Kulturwissenschaftliche Beratung:

Fatemeh Hassanzadeh

Lektorat der Übersetzung Persisch/Farsi:

Cirus Cheikh-Sarraf

Grundlayout/deutsche Ausgabe:

Karen Marx, www.marxgrafik.de

Layoutadaption/persische Ausgabe:

Golnar Kat Rahmani, www.katrahmani.com

Druck:

Bosch-Druck GmbH, www.bosch-druck.de

Bestelladresse:

Umweltbundesamt
c/o GVP, Postfach 30 03 61, 5 3183 Bonn

Service-Telefon: 0340 2103-6688

Service-Fax: 0340 2104-6688

E-Mail: uba@broschuerenversand.de

Internet: www.umweltbundesamt.de

Publikation als pdf:

www.umweltbundesamt.de/publikationen/ahbari-az-darun-e-zobaledan

Diese Publikation wurde im Rahmen eines Forschungsvorhabens mit Mitteln des Bundesministeriums für Umwelt, Naturschutz, Bau und Reaktorsicherheit unter der Forschungskennzahl 3715333280 gefördert. Das Öko-Institut e.V. und das Deutsche Institut für Urbanistik (DIFU) waren mit der Durchführung des Vorhabens betraut.

Diese Publikation ist kostenfrei zu beziehen beim Umweltbundesamt. Der Weiterverkauf ist untersagt.

Bei Zuwiderhandlung wird eine Schutzgebühr von 15 Euro pro Stück erhoben.

این کتاب را می‌توان به طور رایگان از سازمان حفاظت محیط زیست تهیه نمود. فروش متعاقب آن ممنوع بوده لیکن در صورت تخلّف، جهت حفظ

منافع ناشر پرداخت مبلغی به ارزش ۱۵ یورو به ازای هر جلد الزامی است.

Stand: Januar 2017

کوه‌های آشغال سفری پرماجرا به کوهستان

پلی پاپ یگه‌ای خورد: «نگاه کن، این طوری که اصلاً نمی‌شه! چقدر آشغال تو این جای سرسبز این‌ور و اون‌ور ریخته! لیوان قهوه، کیسه‌های پلاستیکی، کاغذ ... این یه چتر کهنه‌ست؟ ته‌سیگار، آدامس ...» لئو باز هم سوآلی داشت: «این همه آشغال از کجا می‌یاد این‌جا؟» پلی جواب داد: «این آشغالا رو همین‌جور بی‌خیال این‌جا ریختن.



تازه، یه قوطی هم این‌جاست!» لئو یک سوآل کوچک دیگه هم داشت: «حالا این آشغالا کجا می‌رن؟» لئو برای سوآل‌های زیادش معروف بود، سوآل پشت سوآل. پلی خوب می‌دانست که از یک سوآل کوچک یک‌دفعه می‌توانست یک چیز گنده در آید. خب، لئو تازه هشت سالش شده بود و با این حساب



چهار سال تمام کوچک‌تر از پلی بود. یا بهتر بگوییم، پلی چهار سال بزرگ‌تر از لئو بود. این هم خودش یک اختلاف سنی زیاد است. پلی گفت: «لئو! ببین، جای آشغال قبل از هر چیز تو سطل آشغاله. بعدش هم این رفتگرهای زباله‌کشی هستن که می‌یان آشغالا رو جمع می‌کنن. نه رفتگر عزیز؟!» رفتگر عزیز سری به علامت تأیید تکان داد. راستی هم که کارش همین بود؛ مدام آشغال‌هایی را جمع کند که دیگران دور می‌ریزند. روز به روز.

سال به سال. واقعا هم که خوب از آشغال سررشته داشت.

آشغال‌های قدیم

قدیم‌ها آشغال در این‌جا همین‌طور از پنجره به بیرون پرت می‌شد. هیچ ماشین زباله‌کشی‌ای هم وجود نداشت. باران و حیوانات خانگی مانند سگ و گربه، تنها نظافت‌چی‌های شهر بودند. مواد سمی‌ای که از آشغال به وجود می‌آمد، سبب بروز بیماری‌های واگیردار می‌شد؛ عه‌عه! این از خوش‌شانسی‌ها بود که بعدها کسی ماشین زباله‌کشی را اختراع کرد. طرز کار امروزه را در صفحه‌های ۲۶ و ۲۷ خواهی دید.



او به اصطلاح کارشناس آشفال بود. لئو می‌خواست بداند: «خب، فهمیدم، ماشین زباله‌کش. اما بعدش با آشفالا چی‌کار می‌کنن؟»
 «لئو! تو تا به حال هیچی در باره‌ی به اصطلاح کوه آشفال نشنیدی؟ کوه آشفال ما هم که حسابی بزرگه! اون قدر بزرگه مثل ... مثل ...»

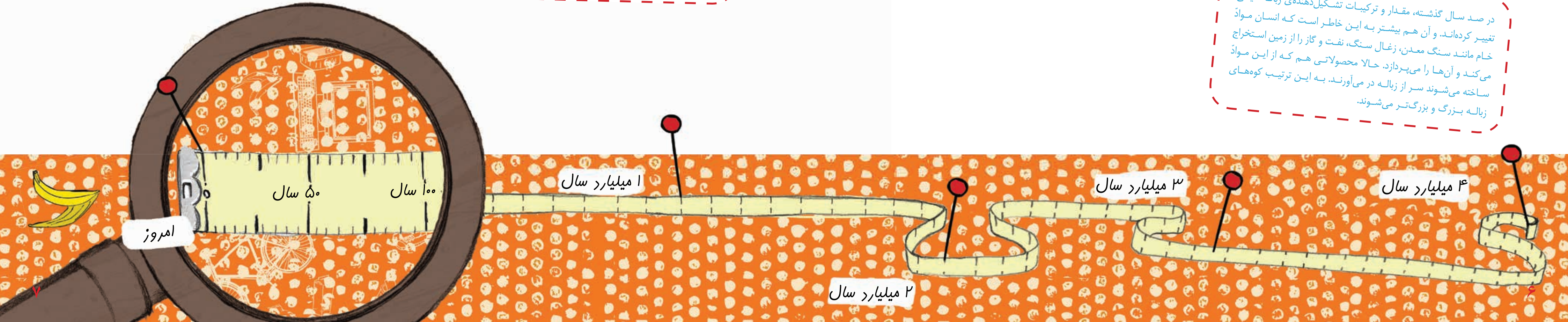
آشفال‌های امروزی
 در صد سال گذشته، مقدار و ترکیبات تشکیل‌دهنده‌ی زباله خیلی تغییر کرده‌اند. و آن هم بیشتر به این خاطر است که انسان مواد خام مانند سنگ معدن، زغال سنگ، نفت و گاز را از زمین استخراج می‌کند و آن‌ها را می‌پردازد. حالا محصولاتی هم که از این مواد ساخته می‌شوند سر از زباله در می‌آورند. به این ترتیب کوه‌های زباله بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند.

رفتگر که از این اعداد و ارقام خوب سررشته داشت، گفت: «یه لحظه! اگه آدم تمام آشفال یه سال رو یه جا تل می‌کرد، اون وقت همین کوه آشفال، تقریباً به بزرگی "بُرکن" بود که بزرگ‌ترین کوه تو شمال آلمان، اون هم با ارتفاع ۱۱۴۱ متر!»
 یک کوه غول‌پیکر آشفال که آن هم فقط در عرض یک سال درست شده است؟! یعنی دو سال دیگر دو برابر می‌شود و ده سال دیگر ده تا کوه آشفال آن‌جا درست می‌شود؟! این که تمامی ندارد! این‌ها که مدام دارند بیشتر و بیشتر می‌شوند! حالا حتی یک **کوهستان**

باز هم آشفال بیشتر

بعضی از آدم‌ها به جای مراقبت از وسایلشان و تعمیر آن‌ها، چیزهای خراب یا قدیمی‌شان را به راحتی دور می‌اندازند و به جایش وسایل نو می‌خرند. هم و غم این «جماعت» به اصطلاح «اسراف‌کن»، خرید سریع، مصرف، دور انداختن و خرید مجدد وسایل است. با این کار آشفال زیادی تولید می‌شود. بهتر می‌شد اگر اشیا عمر طولانی‌تری داشتند.

آشفال حسابی درست شده است!!!
 لئو فکری دوباره کرد: «اصلاً چند وقته که کوه‌های آشفال وجود دارن؟ زمین چند سالشه؟ پس آشفالای گذشته کجان؟»
 رفتگر به نکته‌ای اساسی اشاره کرد: «اون خیلی وقته که پوسیده. این همون قضیه‌ی تولد و مرگه. تولدی دوباره و بعدش هم مرگی دوباره!»



چرخه‌ی طبیعت چرا تو باید بی‌نهایت از کرم‌خاکی‌ها ممنون باشی؟

بده-بستان حسابی

طی میلیون‌ها سال، چرخه‌هایی در طبیعت به وجود آمده‌اند که همه چیز در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و هیچ چیز باقی نمی‌ماند. برای مثال: یک گیاه مواد غذایی‌ای را از زمین جذب می‌کند که برای رشد خود نیاز دارد. زمانی که این گیاه از بین برود، کرم‌خاکی‌ها و موجودات کوچک و یا خیلی ریز آن گیاه را دوباره به این مواد تجزیه می‌کنند و به زمین برمی‌گردانند. و باز گیاه بعدی می‌تواند آن مواد را از نو جذب کند و یا یک حیوان یا انسانی مثل تو.

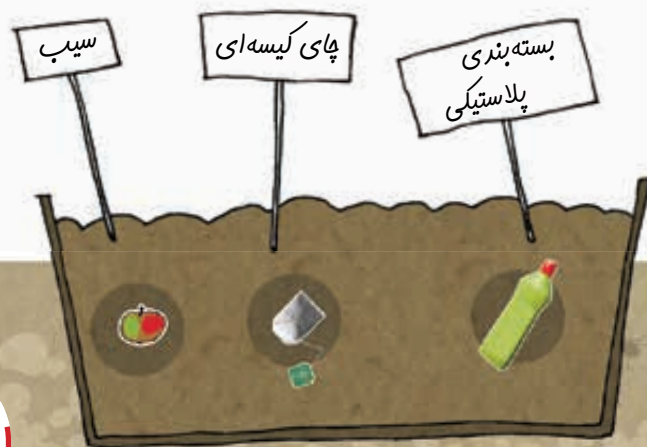
آزمایش پوسیدگی

در طبیعت، معمولا هیچ زباله‌ای برای همیشه باقی نمی‌ماند. اما تقریباً از ۱۰۰ سال پیش با کشف پلاستیک، این وضعیت به طور اساسی تغییر کرد. در باغچه‌ای یک قوطی پلاستیکی، یک چای کیسه‌ای و یک سیب را چال کن. بعد از مدتی نگاه کن که چه بر سرشان آمده است، یک سال بعد و یک بار دیگر وقتی که بزرگ شدی نگاه کن. تو خواهی دید که آن سیب بعد از چهار هفته و چای کیسه‌ای بعد از چهار ماه پوسیده‌اند. همه چیز از بین رفته. هیچ چیز، دیگر دیده نمی‌شود. اما ۴۰۰ سال طول می‌کشد تا پلاستیک به ترکیبات سازنده‌اش تجزیه شده و ناپدید شود.

قدیم‌ها چه طور بود؟

در زمان‌های قدیم، آشغال اساساً از کثافات حیوانات و انسان‌ها، از پسماندهای مواد غذایی و شاید هم چندتا سفال‌پاره تشکیل می‌شد. هیچ چیزی که هنوز امکان مصرف، تعمیر یا تبدیل شدن آن وجود داشت، دور انداخته نمی‌شد. مثلاً پسماندهای آشپزخانه، خوراک حیوانات می‌شدند. قاب‌دستمال‌ها، کاغذ می‌شدند. اسباب‌بازی‌ها هم یا بخشیده می‌شدند یا به ارث می‌رسیدند.

انسان به طبیعت نیاز دارد. طبیعت به انسان نیازی ندارد.



یک عالم آشغال جلوگیری از تولید آشغال بهتر از دفع آن است

رفتگر می‌دانست: «در آلمان هر کس سالانه ۵۰۰ کیلو آشغال تولید می‌کند که برابر است با نیم تن. بسته‌بندی‌ها بزرگ‌ترین بخش آن را شامل می‌شوند: در آلمان سالانه ۱۷/۸ میلیون تن یا ۱۷,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ کیلو زباله فقط از نوع بسته‌بندی‌ها بر کوه آشغال اضافه می‌شود.»
لئو پرسید: «آخه چرا آدم نمی‌تونه دست از بسته‌بندی‌ها برداره؟»
پلی پاسخ داد: «اون وقت چه‌طور آدم باید تو بارون خمیردندون، شیر یا

به این شکل از تولید کاغذزباله جلوگیری می‌کنی

۱. از کاغذهای صد در صد بازیافتی برای نوشتن و همین‌طور برای توالی استفاده کن.
۲. پاسخ این‌که بازیافت چیست را در صفحه‌ی ۲۸ خواهی دانست.
۳. بلافاصله همه چیز را چاپ نکن. یاد بگیر که گاهی هم چیزی را از بر کنی.
۴. این‌قدر کاغذ مصرف نکن. از پشت و روی هر برگی استفاده کن.

آرد رو بدون روکش‌هاشون از این‌جا به اون‌جا بیره؟ آدم که نمی‌تونه فقط چیزهایی رو بخره که روکش دارن ... مثل گردو، موز و تخم‌مرغ!»
خب درست بود، این‌جا دیگر حق با پلی پاپ بود؛ بسته‌بندی لازم است. حتی انسان‌های نخستین از جداره‌ی داخلی استخوان برای حمل مواد غذایی‌شان استفاده می‌کردند. با گذشت زمان نخستین ظروف سفالی، اولین



شلنگ‌هایی از پوست حیوانات، شیشه‌ها، قوطی‌های کنسروی و اولین کیسه‌های پلاستیکی به وجود آمدند. رفتگر در این زمینه هم از اعداد و ارقام خبری داشت: «یک کیسه‌ی پلاستیکی در تولید به یک ثانیه، در مصرف به ۲۰ دقیقه و در پوسیدگی به ۴۰۰ سال نیاز داره. بعد از یه مصرف کوتاه اون کیسه هم دیگه فقط یه آشغاله و بس!» رفتگر هنوز یک فکر دیگری برای پلی و لئو در سر داشت: «بهترین آشغال، آن است که از ابتدا تولید نشود!»



آیا تو حاضری محیط زیست را نجات بدهی؟

- از ظرف نان و بطری‌هایی استفاده کن که خودت بتوانی پر کنی و از بسته‌بندی‌های یک‌بار مصرف پرهیز کن.
- برای خرید، کیسه‌خرد خودت را ببر. با این کار، دیگر نباید برای کیسه‌خریده‌های پلاستیکی‌ای پول بدهی که این‌قدر گراند. لطفاً قبل از راه افتادن از منزل به این موضوع فکر کن، نه این‌که تازه وقتی در صف، جلوی صندوق ایستاده‌ای یادت بیفتد.
- برای اسباب‌بازی‌های الکترونیکی از باتری‌های قابل شارژ مجدد استفاده کن.
- در جشن‌ها از ظرف‌های یک‌بار مصرف کاغذی یا پلاستیکی استفاده نکن. اگر نمی‌خواهی ظرف بشویی، غذایی را انتخاب کن که بشود آن را با انگشت خورد. آن وقت فقط باید دست‌هایت را بشویی.



شکارچیان و گردآوردندگان در بازار روز "دوباره-مصرف"

امروز بازار روز بود و لثو و پلی پاپ می‌خواستند همه جور آت و آشغال‌های قدیمی‌شان را بفروشند. آن‌ها برای فروش، یک خانه‌ی عروسک، یک رادیو و یک آب‌پاش داشتند. یک دسته توپ پلاستیکی و یک کلکسیون صدف. لباس‌هایی که از خیلی وقت پیش دیگر اندازه‌ی لثو و پلی نبود. حیوانات عروسکی قدیمی. یک کیف مدرسه‌ی رودوشی.

یک عینک آفتابی به شکل پروانه. دفتر نُت پیانویی که هنوز کاملاً بی‌عیب و نقص بود. یک تخم شترمرغ و چیزهای دیگری که همین‌طور الکی جمع می‌شود. آخر همان چیزی که برای لثو و پلی آت و آشغالی قدیمی به حساب می‌آمد، می‌توانست برای دیگران آت و آشغالی باارزش باشد: تحفه‌های قیمتی و گنجینه‌های جادویی!

پلی چندتا کلاه قدیمی هم با خودش آورده بود. او با جان و دل کلاه بر سر می‌گذاشت و به همان نسبت هم صاحب کلاه‌های زیادی بود؛ زیاد که نه، یک عالم. کلاه سیاه بزرگش اولین چیزی بود که فروخته شد. پلی با پول آن از دگه‌ی کناری یک کلاه عالی دوچرخه‌سواری، به رنگ

قرمز خرید. در بازار روز یک مغازه‌ی مَجّانی هم بود که این امکان را به آدم می‌داد هر چیزی که دیگر بدرد دیگران نمی‌خورد را با خود ببرد بدون این که پولی برایش بدهد. پلی آن‌جا دوتا زانوبند ورزشی پیدا کرد. حالا او یک سِت خوبی برای اسکیت-بوردسواری داشت.



استراحت فکری

چرا باید یک ماشین شخصی گران‌قیمت خرید؟ ماشین‌ها که بیشتر اوقات فقط این طرف و آن طرف پارک شده‌اند؛ آن هم به طور متوسط ۲۳ ساعت از ۲۴ ساعت شبانه‌روز را. شرکت‌های زیادی هم وجود دارند که ماشین‌هایی برای استفاده‌ی مشترک در اختیار می‌گذارند. به این ترتیب یک ماشین می‌تواند توسط افراد زیادی مورد استفاده قرار بگیرد.



زباله‌ی کمتر از طریق "استفاده‌ی مجدد"

هر چیزی که هم‌چنان مورد استفاده، تعمیر یا تبدیل قرار بگیرد، آشغال نیست. طول عمر یک محصول نشان کیفیت آن هم هست. همان موقع خرید جنس، دقت کن که قابل تعمیر باشد. و از یک بطری آب، می‌توان حتی باغ معلقی درست کرد. آدم از این راه، چیزهای به ظاهر آشغال را به چیزهای باارزش تبدیل می‌کند. حالا آن چه چیزی است که مدام کوچک و کوچک‌تر می‌شود؟ کوه آشغال.

این یه دوچرخه‌طلایی عالی، واقعا! اما اگه من با این دوچرخه‌طلایی عالی لب دریا برم، می‌دونم بیشتر از همه دلم واسه چی تنگ می‌شه؟ لثو خوب جوابش را می‌دانست. او کاسبی بازار روزش را زیر و روی کرد، اولین فروشنده را پیدا کرد و دوباره کلاه سیاه بزرگ مورد علاقه‌ی پلی را برایش خرید. آخ، لثوی عزیز! آدم که چه کارهایی برای دوستان خوبش نمی‌کند!



ما به هر چیزی که تو دیگر نیاز نداری، نیاز داریم

با یک دوچرخه‌ی کوچک بچه، و دوچرخه‌ی کوچک را با یک دوچرخه‌ی بزرگ‌تر، و دوچرخه‌ی بزرگ‌تر را با یک دوچرخه‌ی طلایی عوض کرد. عجب! چه چیزها که از یک کلاه قدیمی در نیامد! اما ... چرا پلی پاپ آن قدر ناراضی نگاه می‌کرد؟ او گفت: «آخ، بین لثو!

بعد آن را هم در "تاخت‌بازار" با یک کلاه اسکی گشاد که خیلی باحال به نظر می‌آمد عوض کرد. سر آخر، کلاه باحال گشادش را هم با یک جفت کفش اسکیت که هنوز سالم بودند و بدون هیچ عیب و نقصی راست راست حرکت می‌کردند، عوض کرد. بعد از آن کفش اسکیت را



خیلی برای سطل آشغال حیف هستند!

دستورات کاربردی برای جلوگیری از اتلاف مواد غذایی

چند آزمایش - فقط برای شجاعان!

- رژیم زباله‌ای: یک روز کامل هیچ آشغالی تولید نکن.
- رژیم پلاستیکی: یک هفته‌ی تمام بدون پلاستیک سر کن.
- رژیم پنیری: از گیشه‌ی فرآورده‌های تازه ۱۰۰۰ گرم پنیر بخر که داخل بسته‌بندی پلاستیکی نباشند.



باور نکردنی!

در آلمان، از هر هشت ماده‌ی غذایی یکی دور ریخته می‌شود. این به ازای هر نفر در هر سال ۸۲ کیلو و در کل ۶/۷ میلیون تن می‌شود. با این مواد غذایی که در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود، می‌توان همه‌ی گرسنگان دنیا را سیر کرد، حتی سه برابر آنها را!

یک سیب که فقط سیب نیست!

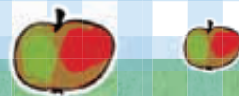
وقتی که آدم سیبی را دور می‌اندازد، با آن ۷۰ لیتر آبی را هم دور می‌ریزد که باعث و بانی آن شده بود تا آن سیب، اصلاً سیب شود. علاوه بر آن برای تولید مواد غذایی، چراگاه یا زمین زراعتی، انرژی، کود و زمان کاری لازم است. مثلاً تا زمانی که سیب‌ها برسند، از آن‌ها مراقبت می‌شود. بعد چیده، بسته‌بندی و حمل و نقل می‌شوند. پس: لطفاً هیچ ماده‌ی غذایی را بیخود دور نریزید.

تاریخ مصرف درست

از مواد غذایی دور ریخته شده در آلمان فقط مقدار کمی واقعا خرابند. بیشتر اوقات، غذاها فقط به این دلیل که دیگر ظاهر قشنگی ندارند دور ریخته می‌شوند. معمولاً روی هر ماده‌ی غذایی تاریخی زده شده است. به این وسیله تولیدکننده‌ی آن تضمین می‌کند که آن ماده‌ی غذایی **حداقل** تا آن تاریخ، قابل مصرف است. اما این به آن معنا نیست که آن ماده‌ی غذایی بعد از آن تاریخ خراب است. اغلب حتی بعد از آن هم قابل خوردن یا آشامیدن است. به همین دلیل به چشم، بینی و دهانتان اعتماد کنید و خودتان تصمیم بگیرید. فقط ماهی و گوشت هستند که باید تا تاریخ زده شده خورده شوند. به این تاریخ، تاریخ مصرف می‌گویند.

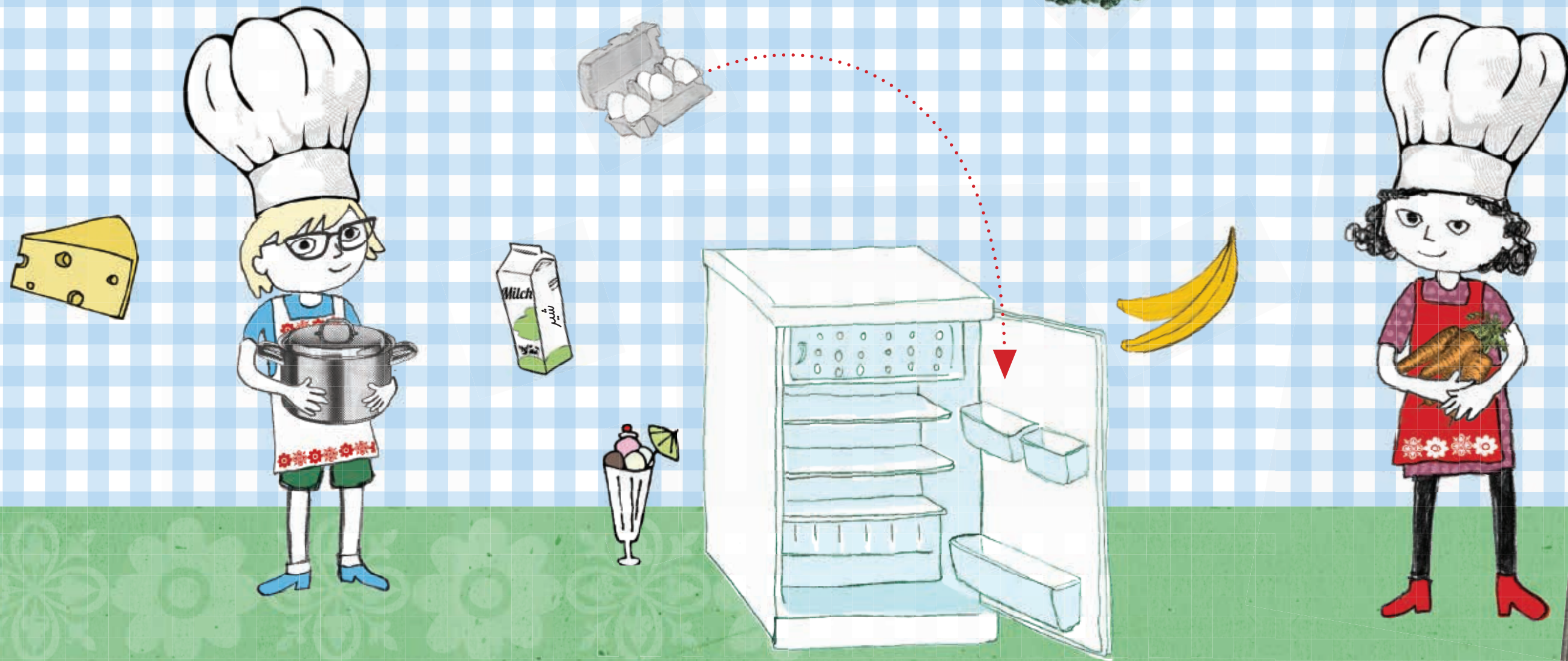
نکات کاربردی برای جلوگیری از اسراف

- برنامه‌ی خرید را حساب شده بریز.
- چیزهایی که زود فاسد می‌شوند را کمی قبل از تهی‌ی غذا بخر.
- مواد غذایی خریداری شده از بخش یخچالی فروشگاه، باید در راه منزل سرد نگه داشته شوند. پس آن را یک‌راست، سریع به خانه ببر.
- اگر چیزی باقی ماند، آن را منجمد کن یا این‌که با باقی‌مانده‌ها، غذای جدیدی درست کن.



چه چیزی کجا قرار می‌گیرد؟ آن‌ها را به هم وصل کن.

اگر تو مواد غذایی را به درستی در یخچال جا دهی، عمر آن‌ها طولانی‌تر می‌شود. هم‌چنین یادت نرود که بعد از برداشتن آخرین ماده‌ی غذایی از یخچال در آن را ببندی!



جای دهی درست

- همه جای یخچال یکسان سرد نیست: پایین یخچال سردترین جای آن است. یخچال از پایین به بالا گرم‌تر می‌شود.
- میوه و سبزیجات در کشوهای پایینی یخچال جا دارند.
- بهترین جا برای گذاشتن گوشت و ماهی روی شیشه‌ی پایین‌ترین طبقه‌ی یخچال است.
- جای لبنیات در طبقه‌ی وسطی، باقی‌مانده‌ی غذاها بالای بالا، کره و تخم‌مرغ داخل در یخچال است.
- گوجه، سیب‌زمینی، بادمجان و موز اصلاً لازم نیست به یخچال بروند.

دستورات کاربردی با باقی‌مانده‌های آشپزخانه

- سیب‌زمینی‌های آب‌پز اضافی را می‌شود سرخ کرد.
- از لوبیاهای باقی‌مانده‌ی دیروزی می‌شود سالادی خوشمزه درست کرد.
- سبزیجات باقی‌مانده‌ی امروز را می‌شود فردا در ماهی‌تابه ریخت.
- با به هم زدن موزهای سیاه‌شده، شیر و لیموترش می‌شود یک معجون شیرین درست کرد. به‌به، خوشمزه‌ست!
- این اپلیکیشن مجانی موبایل، دستورات دیگری نیز برایت دارد:
www.zugut fuer dietonne.de/app

هم‌چنین ...

وقتی که آدم مواد غذایی را دور می‌ریزد، پول نقدش را دور ریخته است! بهای سالانه‌ی مواد غذایی دور ریخته شده برای هر نفر ۲۳۵ یورو است!

پشت دروازه جداسازی زباله از خانه‌داری شروع می‌شود

لثو و پلی پاپ در اتاق مخفی زیر سینک ظرفشویی‌شان را با قچ‌قچ زیاد باز کردند. انواع و اقسام سطل آشغال، کیسه‌های نایلونی و جعبه‌های پلاستیکی این‌جا و آن‌جا افتاده بودند. درون هر ظرفی هم یک چیز به‌خصوصی بود. اما انگار همه چیز ... آشغال بود و بس! رفتگر صدا زد: «جداسازی درست زباله از همین خونه‌داریه که شروع

می‌شه! گیریم که از آشغال بشه چیزی درست کرد، اما مهم اینه که آدم آشغالا رو از همون ابتدا درست جدا کنه! کاغذ می‌ره تو سطل کاغذ. شیشه می‌ره تو سطل شیشه. بسته‌بندی‌ها می‌رن تو سطل‌های بسته‌بندی. زباله‌های گیاهی می‌رن تو سطل زباله‌ی گیاهی. بقیه‌ی آشغالا هم می‌رن تو سطل سایر زباله‌ها. به نظر منطقی می‌یاد، نه؟»

نکات کاربردی در جداسازی

- جعبه‌های مقوایی و مقوای بزرگ را می‌شود در خانه به تکه‌های کوچک پاره کرد. تا جای زیادی در سطل کاغذ نگیرند.
- همه‌ی بسته‌بندی‌ها باید خالی باشند. اما دیگر لازم نیست آن‌ها را شست، مثلاً ظرف ماست را. مگر آن‌که خودت فکر کنی که مگس‌ها مزاحمت می‌شوند.
- لطفاً درب کنسروهای شیشه‌ای را باز کن و در سطل بسته‌بندی‌ها بینداز. مگر درب آن از شیشه است؟! خیر!
- زباله‌های گیاهی را بهتر است در روزنامه یا دستمال آشپزخانه پیچید. با این کار رطوبت آن جذب می‌شود.

شیشه‌کهنه

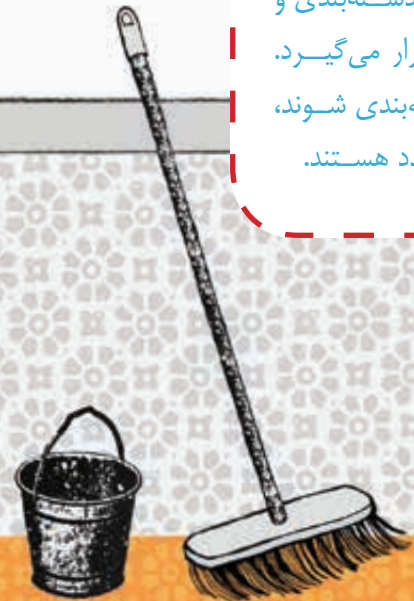
از شیشه‌کهنه می‌شود شیشه‌ی نو درست کرد، به شرطی که به درستی بر اساس رنگ دسته‌بندی شود. در ضمن مبادا نیمه‌شب چیزی را در مخزن شیشه‌کهنه بیندازی؛ همسایه‌ها هم می‌خواهند چرتکی بزنند و خواب خوشی از روز بعدشان ببینند.

استراحت فکری

جداسازی زباله برای محیط زیست خوب است؛ هزینه‌ها را پایین می‌آورد و مواد خام را هدر نمی‌دهد. بخش بزرگی از آشغال‌هایی که جدا دسته‌بندی و جمع شده‌اند، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. آشغال‌ها هر چه پیشاپیش بهتر دسته‌بندی شوند، بعدها هم بهتر قابل بهره‌برداری مجدد هستند.

با مواد سمی چه کنیم؟

در همه‌ی مصارف خانگی با گذشت زمان مواد سمی هم مانند: روغن مصرف‌شده، رنگ‌ها و روغن‌جلاها جمع می‌شود که نباید با سایر زباله‌ها دور ریخته شوند. این مواد بایستی به محل جمع‌آوری مواد زیان‌آور برده شوند.



جداسازی زباله یک عالمه سطل‌های رنگی

تو تا الان مثل یک بچه‌ی نمونه، آشغال‌ها را در خانه‌ات جدا کرده‌ای، حالا فقط باید آن‌ها را در سطل‌های درست زباله دسته‌بندی کنی. اما چه چیزی کجا قرار می‌گیرد؟



Batterien

باتری‌ها

ال-ای-دی و لامپ‌های کم‌مصرف

لوازم برقی

Elektrokleingeräte

شیشه
Glas

کاغذ
Papier

زباله‌های گیاهی
Bioabfälle

بسته‌بندی‌ها
Verpackungen

جای بقیه‌ی انواع زباله در مخزن خاکستری مخصوص «سایر زباله‌ها» است. اما مقدار این زباله فقط باید خیلی خیلی ناچیز باشد. هر چه قدر ماشین زباله‌کش، مخزن‌های خاکستری کمتری جمع کند به همان نسبت هم آدم باید پول کمتری بپردازد. پس اگر آدم به درستی زباله را تفکیک کند، می‌تواند پول هم پس‌انداز کند.

باتری‌های قدیمی، حتی باتری‌های قدیمی قابل شارژ به هیچ‌وجه نباید در سطل زباله‌ی منزل انداخته شوند، چون که آن‌ها دارای موادّ زیان‌آور زیادی هستند. تو می‌توانی جعبه‌های جمع‌آوری سبز را که مخصوص این کار هستند، پیش‌همه‌ی مغازه‌دارانی که باتری هم می‌فروشند پیدا کنی. باتری‌هایی که آن‌جا تحویل می‌دهی، به روشی درست دور انداخته می‌شوند تا هیچ زبانی به محیط زیست وارد نشود.

لوازم برقی خراب مانند همزن برقی، سشوار و ماشین لباس‌شویی را خودت باید به شعبه‌های بازیافت محلی ببری. به محلّ جمع‌آوری مرکزی «مرکز بازیافت موادّ» گفته می‌شود. ولی لوازم برقی کوچک را می‌توانی در فروشگاه‌های بزرگ‌تر لوازم برقی هم تحویل بدهی. این لوازم در آن‌جا به روشی سازگار با محیط زیست دور انداخته می‌شوند. لوازم برقی بدرد نخور را هم نباید قاطی زباله‌ی خانگی کرد. و اگر می‌خواهی محل جعبه‌ی تفکیک بعدی را برای لامپ‌های کم‌مصرف و ال-ای-دی بدانی، به سایت زیر در اینترنت مراجعه کن:

www.lightcycle.de

شیشه‌ها باید بر اساس رنگشان جداسازی و دسته‌بندی شوند: سبز، سفید یا قهوه‌ای. حالا یک سؤال از کارشناسان: با شیشه‌های آبی چه باید کرد؟ پاسخ: هر چیزی که آدم جای دقیق آن را نمی‌داند، در «سبزها» می‌گذارد. یک چیز دیگر: چینی، شیشه نیست.

کاغذ، روزنامه، مجلات مصور، مقوّا، دفتر، کتاب، جعبه‌تخم‌مرغ‌های کهنه، رول دستمال‌توالیت. اما نه پاکت شیر و یا نوشیدنی، چون که این پاکت‌ها اغلب پوششی آلومینیومی یا پلاستیکی دارند. همین‌طور هم نه دستمال‌کاغذی آشپزخانه نه دستمال‌کاغذی جیبی، چون که این دستمال‌ها زیادی کثیفند. بلیت یا رسید خرید هم نه؛ آن‌ها دارای موادّ زیان‌آور هستند.

زباله‌های گیاهی شامل زباله‌های گیاهان و حیوانات می‌شوند: پس‌مانده‌ی میوه‌جات و سبزیجات، موادّ‌غذایی فاسد، پوست تخم‌مرغ، پوست آجیل، پنیر مانده، پودر قهوه‌ی مانده، گل و شاخ و برگ. اما نه چرم، نه لاستیک و نه خاکستر. حتی گلدان گل هم نه، چون که خود گلدان‌ها هم اغلب از جنس پلاستیک هستند و نه از جنس «بیو» که به معنای طبیعت جاندار است.

برای بسته‌بندی‌های فلزی و پلاستیکی، یک مخزن زرد یا یک کیسه‌ی زرد در نظر گرفته شده است. قوطی‌ها، ظرف‌های ماست، پاکت‌های شیر، لوله‌های خمیردندان، سرنوشابه‌ها و کیسه‌های پلاستیکی. بعضی از شهرها چیزهای پلاستیکی دیگری نیز مانند کاسه، اسباب‌بازی و گلدان گل تحویل می‌گیرند، با وجود این که هیچ‌کدام آن‌ها جزء بسته‌بندی‌ها به حساب نمی‌آید.

چه چیزی کجا قرار می‌گیرد؟ آن‌ها را بهم وصل کن.

پاشو مدارنگی‌هایت را بیاور و دست به کار شو؛ یک کار مشارکتی بزرگ - جداسازی زباله! آیا تو انواع مختلف سطل آشغال را می‌شناسی؟ معلومه که آره! آن‌ها پیش تو در حیاط‌پشتی یا در انباری، یا پشت منزلتان یا هر جای دیگر قرار دارند. حالا این آشغال‌های درهم و برهم را به سطل آشغال مناسب وصل کن. اگر جایی نمی‌دانی که دیگر باید چه کار کنی، کافی‌ست یک‌بار دیگر یک صفحه به عقب ورق بزنی ...

زباله‌ی گیاهی یا بسته‌بندی؟!



سایر زباله‌ها
Restmüll

Batterien
باتری‌ها

LED & Energiesparlampen
ال-ای-دی و لامپ‌های کم‌مصرف

Elektrokleingeräte
لوازم برقی

شیشه
Glas

کاغذ
Papier

زباله‌های گیاهی
Bioabfälle

بسته‌بندی‌ها
Verpackungen

ماشین زباله‌کشی چه بر سر آشغال‌ها می‌آید؟

یک مرتبه لئو سؤالی به خاطرش آمد: «بگو ببینم، رفتگر عزیز! تو واقعا همیشه پای پیاده با یه جارو تو راهی؟
رفتگر گفت: «نه! بیشتر وقت‌ها با یه ماشین زباله‌کشی این‌ور

و اون‌ور می‌گردم. آشغالی که تو سطل آشغالی جورواجور یا کیسه‌زباله‌ها جمع شدن، با ماشین‌های مختلف جمع‌آوری می‌شن. ماشین زباله‌کشی همیشه تو وقت‌های مشخصی می‌یاد، حتی اگه لازم باشه، چند بار هم تو هفته. اما گاهی اوقات من هم با ماشین جاروکشی این‌ور و اون‌ور می‌رم، آخه خود شهر هم باید از دست این آشغال‌ها نجات پیدا کنه.»

ناوگان وسایل نقلیه

- با ماشین زباله‌کشی زباله‌ها جمع‌آوری و به مکانی که مورد پرداخت قرار می‌گیرند، برده می‌شوند. در بهترین حالت، آشغال مورد بهره‌برداری مجدد قرار می‌گیرد و تنها آن آشغال زاید است که سر از دستگاه زباله‌سوزی در می‌آورد. به صفحه‌ی ۴۱ مراجعه شود.
- در دستگاه کمپرسی ماشین حمل زباله، آشغال در همان زمان حمل و نقل در هم فشرده می‌شود تا جای زیادی به خود نگیرد.

سطل آشغال

سطل آشغال‌های خیابان همیشه به طور منظم خالی می‌شوند. بعضی از آن‌ها حتی یک ظرف مجزایی برای ته‌سیگارها دارند. اگرچه این نوع کثافت‌کاری‌ها فقط از بزرگسال‌ها برمی‌آید.

زباله‌های حجیم

زباله‌های حجیم خانگی مانند میله‌های بزرگ، فرش‌ها یا تشک‌ها در زباله‌دانی‌های منزلت جا نمی‌شوند. چنین چیزهایی را می‌توانی یا جداگانه به ماشین‌های حمل زباله‌های حجیم بدهی تا ببرند یا این‌که آن‌ها را به مرکز بازیافت مواد پیری.



بازیافت از کهنه‌ها، نو در بیاور

Recycling (بازیافت) کلمه‌ای انگلیسی برای بهره‌برداری دوباره بوده و به معنای «به چرخه برگرداندن» است. وقتی که آدم می‌خواهد چیزی تولید کند، معمولا به انرژی و مواد خام زیاد نیاز دارد، مثل چوب برای تولید کاغذ. مواد خام در سیّاره‌ی ما به اندازه‌ی محدودی در دسترس هستند.

به همین دلیل مهم است که ما موادّ خام تازه پرداخت‌شده را هم برای ساخت محصولات جدید استفاده کنیم. از روزنامه‌های قدیمی می‌شود مثلا کاغذ نو، کارتن یا کیسه‌های کاغذی درست کرد، بدون آن که اصلا لازم باشد درختان جدیدی به زمین بیفتند.

لثو پرسید: «به چرخه برگردوندن؟ کدوم چرخه؟» «مثل همون چرخه‌ی

طلا در گوشه‌ی همراه

گوشی‌های همراه قدیمی هم باید به‌درستی دور انداخته شوند و نباید آن‌ها را به هیچ‌وجه قاطی آشغال‌های خانگی کرد. چرا؟ برای این‌که طلا در آن است! سالانه از ۱۰ میلیون گوشی همراه سوا شده، چیزی حدود ۳۵۰ کیلوگرم طلا جمع می‌شود. اما موادّ زیان‌آور زیادی هم در آن‌ها وجود دارد. نکند بخواهی با آن ور بروی تا خودت تلایش را در بیاوری! از این گذشته دوسوم گوشی‌های همراه سوا شده، هنوز کار می‌کنند.

طبیعت؟» «دقیقا! مثل طبیعت که همه چیز تو اون باید دوباره به چرخش دربیاد. واسه همین هم هست که اون آشغالا، دیگه آشغالای بوگندو نیستن، بلکه زباله هستن و به این ترتیب یه ماده‌ی قابل بازیافتِ باارزش.»

در شرکت‌های بازیافت، زباله مجدداً به موادّ اولیه‌اش تجزیه می‌شود. از این راه می‌توان از موادّ قدیمی، موادّ خام جدیدی به دست آورد و دوباره محصولات جدیدی از آن ساخت. و آن هم بعدها یک زمانی می‌شود ...



استراحت فکری

در حقیقت می‌بایست به جای کلمه‌ی بازیافت، اکثراً "فرویافت" گفته می‌شد، چون با استفاده‌ی دوباره‌ی مواد، محصولات جدید به دست آمده نسبت به مواد پیشینی که از آن ساخته شده‌اند از ارزش پایین‌تری برخوردارند. مثلاً از قوطی فقط می‌شود سیم در آورد. اما اگر اشیای بدرد نخور قدیمی به شکل‌های مفیدتر و بهتری در آیند، ارزش آن‌ها بالا می‌رود، که در این صورت به آن "والایافت" می‌گویند. جهت ساخت کاردستی، ایده‌هایی در صفحه‌های ۳۴ و ۳۵ پیدا می‌کنی.

رفتگر برای کسانی که شاید در این بین این مهم را فراموش کرده باشند، مدام تکرار می‌کرد: «اگه آدم آشغال نخره که نباید هم آشغالی دور بریزه!» پلی او را تصحیح کرد: «آشغال نه، بلکه زباله!» لئو که خوش‌حالی می‌کرد: «زباله نه، بلکه ماده‌ی قابل بازیافت!»

بطری‌های شیشه‌ای جدید تولید می‌شود. از پلاستیک، لوله و سطل، و از بطری‌های پلاستیکی، بطری‌های جدید و یا حتی پلیورهایی از جنس پولار ساخته می‌شود. کاغذ، شیشه و بسته‌بندی‌ها در آلمان به خوبی بازیافت می‌شوند. ولی مواد را هم که نمی‌شود به طور نامحدود مورد بهره‌برداری دوباره قرار داد: کاغذ را فقط می‌شود شش تا هشت بار در چرخه فرستاد، بعد از آن تنها بدرد دستمال توالت می‌خورد. درست است که بازیافت خیلی خوب است، اما پرهیز از تولید زباله خیلی بهتر از آن است!

پلی گفت: «... دوباره آشغال»
 لئو او را تصحیح کرد: «آشغال نه، زباله!»
 رفتگر که خوش‌حالی می‌کرد: «زباله نه، ماده‌ی قابل بازیافت!»
 از کاغذ کهنه‌ها، کاغذ بازیافت درست می‌شود. از بطری‌های شیشه‌ای قدیمی،



م محصولات چریری مانند لوله و سطل

بسته‌بندی‌های استفاده‌شده

پاکت‌های نامه، کارتن، کاغذ و روزنامه‌ها

کاغذ باطله

پردازش پلاستیک

دسته‌بندی کردن، فرد کردن و شستن

دستگاه پردازش کاغذ

دسته‌بندی کردن و پرس کردن

به شکل گرانول (دانه) درآوردن

کارخانه‌ی کاغذسازی

رشته شدن الیاف‌ها، شست و شو و رنگ‌بری



چندبار مصرف بهتر از یکبار مصرف است بطری، بطری، بطری ...

پلی بطری آب را به لثو داد: «بگیر، یه جرعه بخور! آدم باید در روز حداقل یک لیتر و نیم آب بنوشه، پس این تو هفته می‌شه ۱۴ بطری آب! خودش یه عالمه آشغاله، مگه نه؟
رفتگر گفت: «بسته‌بندی کمتر، سازگارتر با محیط زیست»
لثو پرسید: «خب! مگه نوشیدنی بدون بطری هم می‌شه؟»
رفتگر توضیح داد: «در رابطه با نوشیدنی‌ها صدها ساله که سیستم

"چندبار مصرف" بهترین روشه. نوشیدنی‌ها تو یه بطری ریخته می‌شن، حمل و نقل می‌شن، تو لیوان ریخته و نوشیده می‌شن. بعد همون بطری دوباره به فروشنده برگردونده می‌شه، تمیز می‌شه و این چرخه دوباره از سر گرفته می‌شه. پس اون بطری، تو زندگی چندتا راه رفته - "چندراه" - چندبار مصرف (Mehrweg). این می‌شه برخلاف بطری‌های "یک‌راه" - یک‌بار مصرف - که فقط یه بار مصرف می‌شن.»



چندبار مصرف
Mehrweg



راهنمای خرید

- برای خیلی از بطری‌ها گرو گرفته می‌شود. یعنی هر کسی موقع خرید، یک مبلغ کمی می‌پردازد که آن را به هنگام پس دادن بطری دوباره دریافت می‌کند. بطری‌هایی که پس داده می‌شوند، با آشغال دور انداخته نمی‌شوند.
- اما گرو خود به خود به این معنا نیست که آدم از یک بطری سازگار با محیط زیست استفاده می‌کند. بطری‌های گرویی‌ای هم وجود دارند، که فقط یک بار استفاده می‌شوند.



یک‌بار مصرف
Einweg

علامت مشخصه

تشخیص دادن بطری‌های یک‌بار مصرف (Einweg) از بطری‌های چندبار مصرفی (Mehrweg) که با محیط زیست سازگارند مشکل است. آن‌ها از مواد یکسانی تشکیل شده‌اند، از شکل و شمایل مشابه‌ای برخوردارند و گاهی اوقات هم گرویی دارند. به همین دلیل است که بطری‌ها اغلب با یکی از این علامت‌ها نشانه‌گذاری می‌شوند:

- بطری‌های چندبار مصرف با جنس‌های مختلفی وجود دارند. بطری‌های شیشه‌ای تا ۴۰ بار پر می‌شوند، در حالی که این برای بطری‌های پلاستیکی فقط ۲۰ بار امکان دارد. شیشه می‌تواند هفت سال در چرخش باشد، اما در حمل و نقل خیلی سنگین‌تر از پلاستیک است.
- بهترین بطری‌های چندبار مصرف، آن‌هایی هستند که در نزدیکی محل سکونت شخص پر می‌شوند. این بطری‌ها به نسبت بطری‌های یک‌بار مصرف یا قوطی‌های یک‌بار مصرف به انرژی و مواد خام کمتری در طول عمرشان نیاز دارند. هر چه قدر مسیر حمل و نقل کوتاه‌تر باشد، برای محیط زیست بهتر است.

فرشته‌ی آبی‌رنگ

... شناخته‌شده‌ترین علامت محیط زیست آلمان است. و این نشان مشخصه‌ی محصولاتی‌ست که لطمه‌ی زیادی به محیط زیست نمی‌زنند. بطری‌های چندبار مصرف را هم می‌توان از طریق فرشته‌ی آبی‌رنگ تشخیص داد. و حتی دفترهای مدرسه‌ها را که از ۱۰۰ درصد کاغذکهنه تولید شده‌اند.



کاردستی با آت و آشغال

زندگی جدید برای اشیای کهنه

باغ معلق

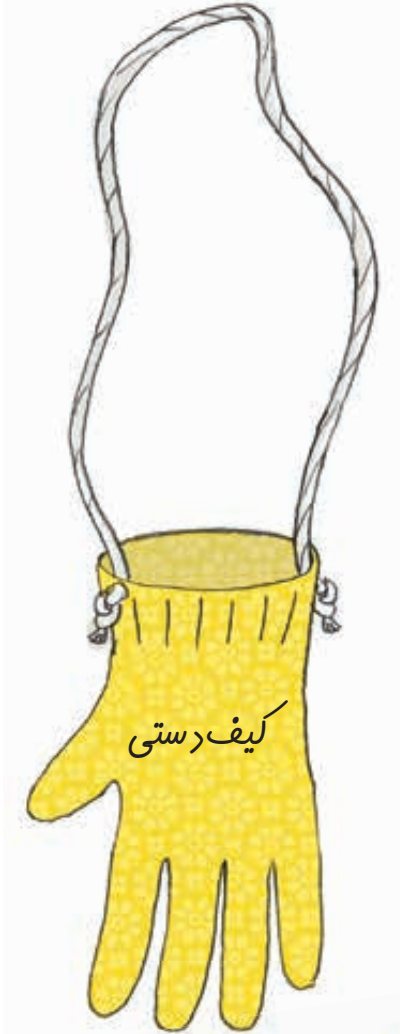


- ۱ بطری پلاستیکی پی-ای-تی
- کمی خاک
- ۱ متر نخ
- ۱ چاقو
- ۱ گیاه کوچک یا بذر گل

با چاقو دهانه‌ی بطری پلاستیکی را که به طور افقی قرار گرفته، می‌بری. بطری را با خاک پر می‌کنی و گیاه را در آن می‌کاری. اگر خیلی وقت داری، می‌توانی بذر گل در آن بکاری و منتظر بمانی، در انتظار بمانی و انتظار. بعد سر و ته بطری را با نخ می‌بندی و آویزانش می‌کنی.

ساخت کیف‌دستی از یک دستکش

- ۱ دستکش پلاستیکی
- بند رودوشی
- ماژیک پاک‌نشو برای نوشتن
- بند را به دو طرف دستکش ببند و جلوی آن بنویس «کیف‌دستی».
- باور کن که هیچ‌کس هم‌چنین کیفی ندارد!



پرده‌ای با سرشیشه‌های رنگارنگ

- ۱۶۵۰ سرشیشه‌ی پلاستیکی پی-ای-تی. خب، چندتایی بیشتر بگیری بهتر است ...
- ۱ میله
- قلاب برای نصب میله
- ۱ سوزن
- ۲۵ نخ بلند پلاستیکی

طبیعتاً اولین چیزی که از خودت می‌پرسی این است از کجا می‌توانی ۱۶۵۰ سرشیشه‌ی پلاستیکی را جور کنی. از هم‌کلاسی‌های دختر و پسر در خواست کمک کن، شاید هم از تمام هم‌دوره‌ای‌هایت در

همین چیزهای کوچک هستند که تاثیراتی بزرگ دارند.



آزش چیزی درست کن.

زیباترین چیزها می‌توانند از آت و آشغال درآیند. از این راه اشیای کهنه جان تازه‌ای می‌گیرند. از پاکت شیر، آشیانه‌ی پرند در می‌آید، از یک بطری می‌توان یک آباژور در آورد و از یک سینی فر، یک تخته‌واایت‌برد مغناطیسی. و عالی‌ترین چیز آن است که کوه آشغال مدام کوچک و کوچک‌تر می‌شود.

مدرسه - و بعد با این پرده کلاس درست را تزئین کن. با میخ لبه‌ی سرشیشه‌ها دوتا سوراخ روبه‌روی هم ایجاد کرده و نخ را از بین آن‌ها رد می‌کنی. یادت نرود که ته نخ را گره بزنی! از الان به بعد فقط باید فرزند باشی!



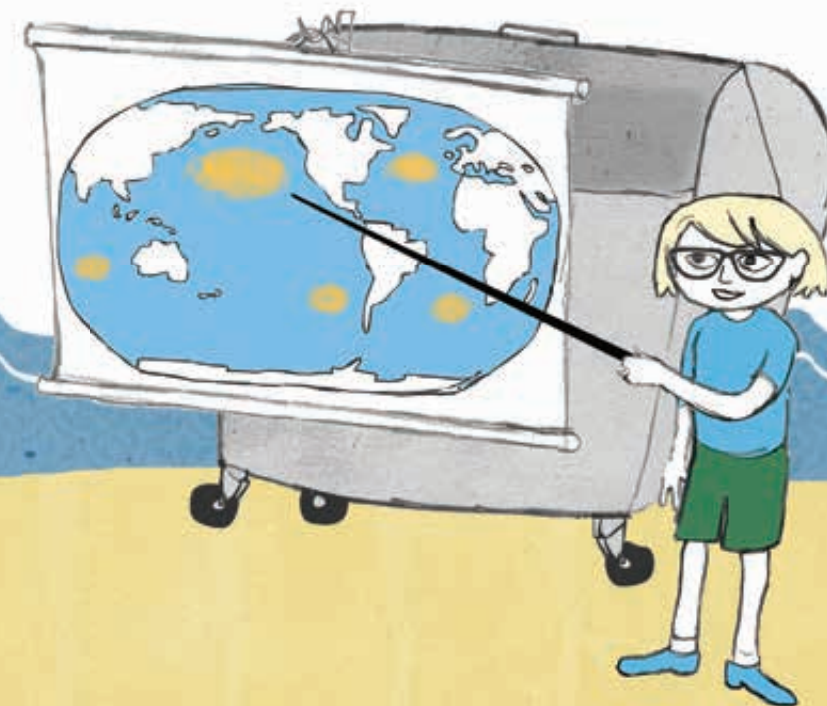
اردک‌های جاودان به کثافت کشیدن اقیانوس

«پلی! من خبرای بدی دارم.» به نظر می‌آمد که لئو جدّی می‌گفت.

«آشغال همه جا رو گرفته. دیگه تو دریا هم زیاد شده. به کثافت کشیدن دریاها حتّی یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتیه که الان محیط زیستمون داره»

پلی پرسید: «راست می‌گی؟»

«بین، تو تا به حال چیزی راجع به "اردک‌های جاودان" شنیدی؟» پلی سرش را تکانی داد و لئو ادامه داد: «سال ۱۹۹۲ یک کشتی باربری تو اقیانوس آرام درگیر طوفان شد و همه‌ی بارش رو از دست داد، از جمله ۲۹,۰۰۰ اسباب‌بازی پلاستیکی. الان بالای ۲۵ ساله که این اردک کوچولوهای زرد سوت‌دار، هی دارن این‌ور و اون‌ور شنا می‌کنن و دائم



سر و کله‌شون یه جایی پیدا می‌شه. تو که می‌دونی چرا؟» پلی گفت: «معلومه که می‌دونم! اردک‌های پلاستیکی ۴۰۰ سال می‌خوان تا بپوسن.» «دقیقا! این اردک کوچولوهای زرد بامزه، اولش همچین هم خطرناک به نظر نمی‌یان. امّا هر سال تا ۱۰ میلیون تن آشغال پلاستیکی تو اقیانوس ریخته می‌شه که برابره با ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ کیلو! این آشغالا با چندتا گرداب تو دریا گیر می‌کنن، فشرده می‌شن و به شکل گرداب‌های بزرگ

آشغال در می‌یان. بزرگ‌ترین اون "فرش بزرگ آشغال تو اقیانوس آرام" هست.»

یک زندگی بدون پلاستیک

پلاستیک در زندگی ما جایگزین ناپذیر است. چون که پلاستیک خیلی مفید است: بادوام، محکم، سبک و قابل انعطاف. امّا اگر پلاستیک زباله شود، مشکل‌ساز می‌شود. به همین خاطر: همیشه قبل از آن که یک جنس پلاستیکی را تهیه کنی، خوب فکر کن که آیا به آن نیاز داری یا نه. تا می‌توانی به دفعات از آن استفاده کن. بعد هم از آن بهره‌برداری دوباره کن. انگیسی‌ها به این کار می‌گویند: "Reduce! Reuse! Recycle!"



آشغال در فضا

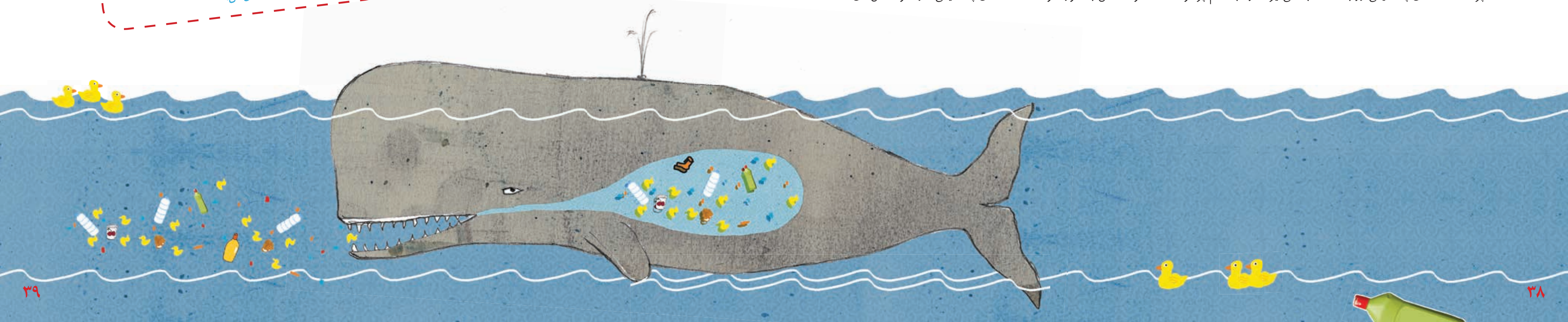
انسان‌ها در طی ۵۰ سال فضانوردی خود حتی در فضا هم آهن قراضه به‌جا گذاشته‌اند: ماهواره‌های از کار افتاده و قطعات گم‌شده‌ی موشک‌ها که دور زمین می‌چرخند. گزارش شده است که ۱۳,۰۰۰ قطعه هستند که بزرگ‌تر از ۱۰ سانتی‌مترند و از اشیای کوچک با قطر یک سانتی‌متر باید حدود ۶۰۰,۰۰۰ عدد وجود داشته باشد. حالا بیایید درستش کنیم.

انگلیس، از هر ده دونه‌ی شن یکی‌ش از پلاستیکه. تیگه‌های پلاستیک طبیعتاً تو شکم ماهی‌های خوراکی هم پیدا می‌شن. حالا کیه که ماهی‌های خوراکی رو می‌خوره؟» پلی زیرلیبی، آرام گفت: «ما. پس یعنی آدم هیچ کاری واسه جلوگیری اون نمی‌تونه بکنه؟»
لئو گفت: «چرا! ما فقط از این به بعد نباید این همه آشغال تولید کنیم!»

گشنگی می‌کشن، چون که دارن از سیری می‌ترکن. لاک پشت‌ها هم کیسه‌پلاستیکی‌ها رو با عروس دریایی عوضی می‌گیرن. تو شکم یه نهنگ عنبر مرده، پژوهشگرها حتی گلدون گل و شلنگ آب پیدا کردن!»
«واای!»

لئو ادامه داد: «تو ساحل "دریای شمال" آلمان، یه نوع مرغ طوفان هست که تو شکمش به طور متوسط ۲۶ قطعه‌ی پلاستیکی داره. تو ساحل‌های

پلی اعتراضی به لئو کرد: «کلمه‌ی فرش، اولش اون قدرام بد به نظر نمی‌یاد...» لئو گفت: «خب، آره، این فرش چهار بار بزرگ‌تر از آلمانه! این فرش آشغال گول‌پیکر رو حتی می‌شه از فضا هم دید. تازه شم: خود فضا هم پر آهن قراضه‌ست!»
«باورنکردنیه! پس جونورهای دریایی با این همه آشغال چی کار می‌کنن؟»
«پرنده‌ها آشغالی پلاستیکی رو با غذا اشتباه می‌گیرن. اونا با شکم پُرشون،



آخر و عاقبت زباله زباله‌سوزی و زباله‌گاه

لثو و پلی پاپ هنوز یک سؤال داشتند: چه بر سر سایر زباله‌هایی می‌آید که در مخزن خاکستریند؟ مسلّم بود که رفتگر جوابش را می‌دانست: «جای سایر زباله‌ها در دستگاه زباله‌سوز است. در آن‌جا آخرین ماده‌ی قابل بازیافت هم بیرون کشیده می‌شود، مثل فلزات. با سوزاندن، هم حجم زباله خیلی کوچک‌تر از پیش می‌شود و هم انرژی - برق و گرما -

از آن تولید می‌شود. موادّ زیان‌آور موجود در گازهای خروجی تصفیه می‌شوند. از خاکستر و گدازه‌ی آن هم می‌توان در خیابان‌سازی استفاده کرد. آنچه که بعد از آن هنوز باقی می‌ماند به زباله‌گاه می‌رود.» پس، لثو عزیز، پلی پاپ عزیز، مردم عزیز! فقط برای این که یادمان بماند: همیشه پرسیدن کمک می‌کند. اما بعد هم باید دست به کار شد!

استراحت فکری

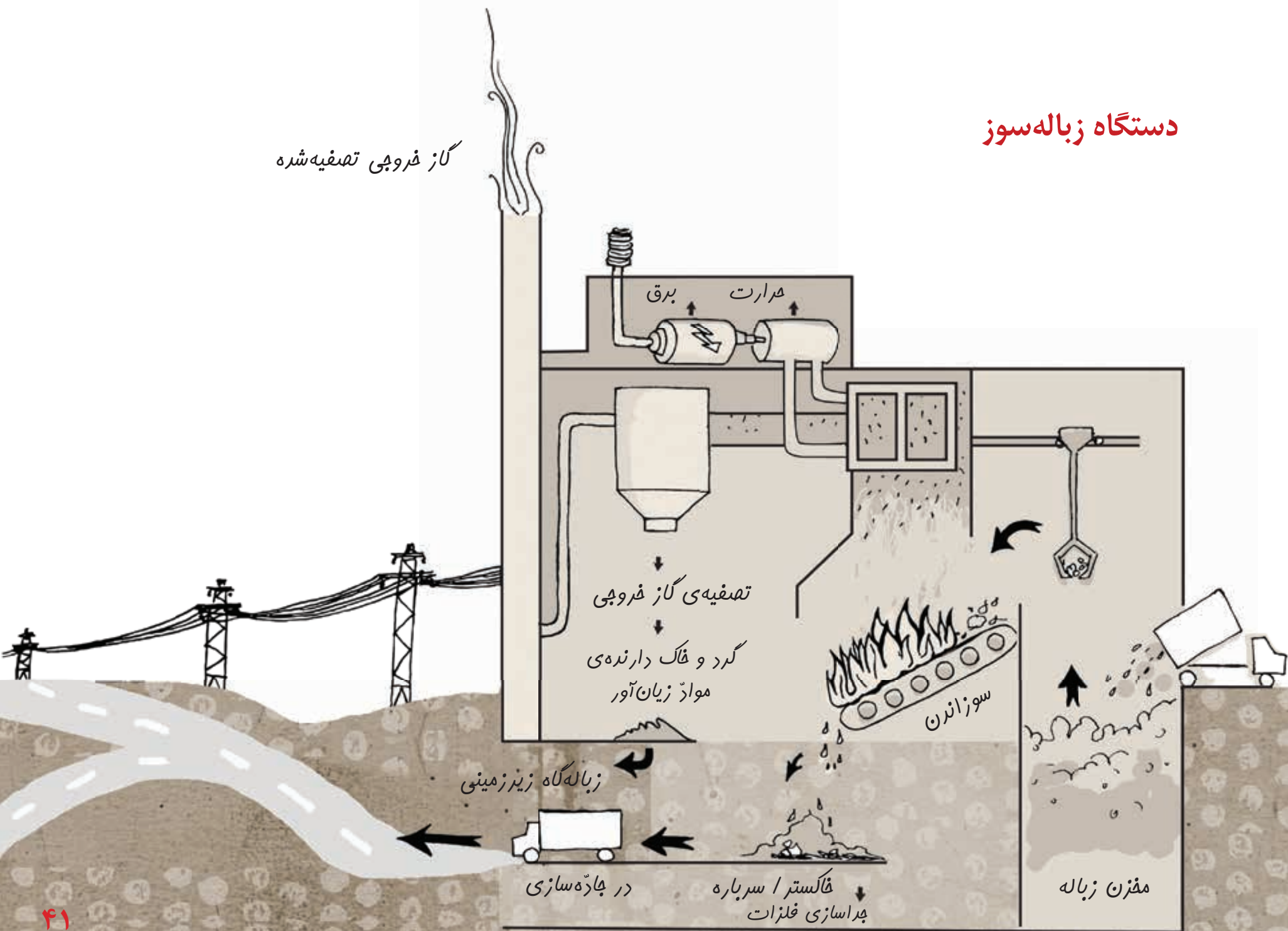
در آلمان تقریباً تا سال ۱۹۷۰ همه چیز کم و بیش در یک محل دفن زباله تلتبار می‌شد. این پشته‌ها هنوز هم وجود دارند، حتی اگر علف هم رویش سبز شده باشد. چه چیزهایی که در زیرش نیست؟!

کودسازی

با دور ریختن زباله‌های گیاهی در زباله‌گاه گاز زیان‌آور متان تشکیل می‌شود. اگر زباله‌های گیاهی به‌درستی به کود تبدیل شوند، زیان خیلی کمتری به بارخواهند آورد. و اگر از زباله‌های گیاهی در هاضم‌های تولید بیوگاز بهره‌برداری شود، حتی می‌توان از آن انرژی هم به‌دست آورد.

دستگاه زباله‌سوز

گاز فروپی تصفیه‌شده



چک لیست برای جیب شلوار و روی درب یخچال

بریتا بگر داستان‌هایی برای کودکان می‌نویسد. داستان‌های او در رادیو، تلویزیون، اینترنت و موزه‌ها در دسترس هستند. او برای نوشتن "اخباری از درون زباله‌دان" به اتاق تاریک زیر سینک ظرفشویی‌اش می‌رود تا آن‌جا را یک دستمال درست و حسابی بکشد و مرتب کند. بریتا بگر با خانواده‌اش در برلین زندگی می‌کند.



نویسنده

اشتفانی صقری مشتاقانه در زندگی‌اش با تصویر داستان می‌گوید. به همین دلیل است که او فیلم‌هایی را نیز برای بزرگسالان و کودکان طراحی می‌کند و کتاب‌های کودکان را به تصویر می‌کشد. پرسش‌هایی را که به هنگام تصویرگرایی به ذهنش می‌آیند، ترجیحاً با خود کودکان در میان می‌گذارد. آن‌ها هستند که بیشتر اوقات بهترین جواب‌ها را برای سؤال‌هایش دارند. اشتفانی صقری در برلین زندگی می‌کند.



تصویرگر



۱. به همراه داشتن کیسه‌ی فرید به جای فرید کیسه‌ی پلاستیکی
۲. استفاده از بطری‌های پندبار مصرف به جای یک بار مصرف
۳. استفاده از باتری‌های قابل شارژ
۴. ظرف نان درب‌دار به جای بسته‌بندی‌های یک بار مصرف
۵. کاغذهای بازیافتی را استفاده کن، آن‌هم از هر دو طرف
۶. تعمیر کردن به جای دور انداختن و از نو فریدن
۷. پرهیز از تولید زباله‌های غذایی
۸. هیچ اسباب‌بازی‌ای فریده نشود که زود فراب می‌شود.
۹. مبارزه به جای فرید
۱۰. پراسازی زباله‌ها
۱۱. متی والدین و بزرگسالان را قانع کن تا همکاری کنند. آن قدر سماجت کن تا بفرستندت بفوابی. باز هم تکرار کن!
۱۲. فراموش نکن: در تابستان بستنی زیاد بفور. نه این‌که بستنی لیوانی، فقط بستنی قیفی!



آشغال هفتگی خانواده‌ی تو

لطفا بعد از این که کتاب را خواندی، نقطه‌چین‌ها را پر کن.

چه چیزی در این جا تغییر کرده است؟

..... کیلو گرم	آشغال خانگی
..... کیلو گرم	زباله‌ی گیاهی
..... کیلو گرم	شیشه
..... کیلو گرم	کاغذ
..... کیلو گرم	بسته‌بندی‌ها

..... کیلو گرم	در مجموع
----------------	----------



بهترین اشغال، آن است
که از ابتدا تولید نشود.

